

## گروه انفور: تشکلی که می‌بایست تکرار و تکثیر می‌شد



وجود دارد. این تکلیف بسیار سنگین، در واقع میراث همه انبیا و اولیا است که طی هزاران سال فراهم شده و لازمه حفظ و انتقال آن به نسل آینده، تأسیس تشکل و یا حتی تشکل‌ها است. بی‌شک تلاش برای رسیدن به این هدف، امری ضروری است.

امروزه عده‌ای از روی سوءنیت و دشمنی با اسلام و انقلاب و برخی نیز از روی غفلت، نادانی، کم‌تجربگی و نظایر این عوامل شرایط نامطلوبی را به وجود آورده‌اند که نه تنها خود در مسیر تأسیس تشکل‌های دینی گام برنمی‌دارند بلکه بعضاً با هرگونه تشکل دینی و انقلابی نیز به مخالفت برمی‌خیزند.

واقعیت این است که در این عصر با دست خالی و کار فردی نمی‌توان در مقابل هجمه دشمن ایستاد؛ در حالی که این ایستادگی اگرچه به تنهایی، تکلیف است. از این رو بایستی این مهم را به صورت گروهی عهده‌دار شد و افرادی که نسبت

پدید آمده و مقام معظم رهبری از آن به تهاجم فرهنگی یاد کرده‌اند، و با توجه به نقش روحانیت در جامعه، روحانیت می‌بایست پرشورتر از گذشته به میدان می‌آمد. هر چند روحانیت اصیل نسبت به دسیسه‌های دشمن در عرصه فرهنگ و مقابله با آن احساس تکلیف کرد، اما در بسیاری از موارد در اجرایی کردن مبارزه با تهاجم فرهنگی دچار مشکل شد. همین امر نشان داد رویارویی با دشمن نیازمند ساز و کارهایی از جنس تشکل است و مقابله با حرکت سازمان‌یافته دشمن، از عهده یک یا چند نفر برنمی‌آید. بلکه این امر نیازمند یک گروه متشکل و یک شبکه فرهنگی است که با اهداف فرهنگی ضمن فعالیت‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت اهداف درازمدت را در جامعه هدف‌گذاری کند. نباید فراموش کرد که مقابله با انحراف و الحاد منحصر به زمان و کشور ما نیست بلکه رسالتی است که از ابتدای خلقت حضرت آدم (ع) تاکنون

ایجاد تشکل می‌تواند مقدمه‌ای برای انجام کار و یا کارهای عظیم باشد. اگر بخواهیم با دقت طلبگی به این مساله بنگریم، می‌توانیم به این نتیجه برسیم که ایجاد تشکل از باب مقدمه واجب نیز دارای نوعی وجوب است؛ زیرا وقتی ادای یک تکلیف واجب باشد، مقدمه رسیدن به آن هم حداقل دارای وجوب عقلی و مطلوبیت است.

اما آن تکلیفی که امروزه بر دوش روحانی و نهاد روحانیت گذاشته شده است تکلیفی نیست که بتوان آن را تنها به صورت فردی انجام داد بلکه انجام این تکلیف به تشکل و تقسیم کار نیاز دارد؛ همان گونه که شأن یک روحانی، تبلیغ علوم دینی و دفاع از مبانی و مواضع اسلام است. این وظیفه ثابت و همیشگی یک روحانی است. در برخی از مقاطع تاریخی، این نقش حساس باید با حضوری پررنگ‌تر باشد. در شرایط خاصی که بعد از پیروزی انقلاب بخصوص پس از جنگ تحمیلی در کشور

به هم شناخت و اعتماد متقابل دارند، باید با برنامه‌ریزی و تقسیم کار در این عرصه کارزار قدم بردارند. همان‌گونه که اشاره شد، این مهم فقط با جمع شدن تحقق نمی‌یابد بلکه به برنامه‌ریزی نیاز دارد و این برنامه‌ریزی با اطلاع از مبانی و مبادی اعتقادی و فرهنگی جامعه و ارزش‌های اصیل حاکم بر آن در کنار رصد کاستی‌ها و آسیب‌ها، حاصل می‌شود.

روحانیت با توجه به شناخت صحیحی که از اسلام و مبانی اسلامی دارد و خود را در برابر ارزش‌های اسلامی و انقلابی و نظام اسلامی، متعهد و مسؤول می‌داند و برای حفظ دستاوردهای انقلاب دل می‌سوزاند، باید با تشکیل گروه‌های فرهنگی در این زمینه پیش قدم شود و ضمن تبلیغ و ترویج آموزه‌های دین مبین اسلام در جامعه، فرهنگ دینی و عقاید مردم را مستحکم و بصیرت لازم نسبت به توطئه‌های دشمنان و تهاجم‌های آنان به فرهنگ مردم را در میان جامعه به ارمغان آورد؛ زیرا وقتی اتحاد جامعه از آموزه‌های فرهنگی خود و از تهدید دزدان فرهنگی آگاه باشند، بهتر می‌توانند بدخواهان را ناکام بگذارند. بی‌شک تأثیر کار جمعی و تشکیلاتی در جامعه، برخلاف تصور، این‌گونه نیست که اگر دو نفر یک کار را انجام بدهند، نتیجه این کار دو برابر شود و حاصل آن جمع عددی باشد بلکه اگر کلیه جوانب آن را در نظر بگیریم، در خواهیم یافت که نتیجه و تأثیر آن با تصاعد هندسی افزوده می‌شود. از این رو، تأثیر کار جمعی در تحقق اهداف بیش از نتیجه محاسباتی است که ما بر روی مجموع تأثیرات فردی انجام می‌دهیم. این تأثیر را امروزه در گوشه و کنار دنیا می‌توانیم ملاحظه کنیم؛ هر جا فعالیتی به ثمر رسیده قطعاً افراد در آن کار، انسجام بیش‌تر یافته و فعالیت خود را با برنامه‌ریزی و سازماندهی انجام داده‌اند.

نتیجه و اثر کار گروهی را می‌توان در ایجاد و پیش‌برد انقلاب اسلامی ملاحظه کرد. نباید از یاد برد که در دوران نهضت و پس از قیام سال ۱۳۴۲ یاران امام اقدام

به تأسیس تشکلی فرهنگی سیاسی کردند که بعدها به گروه ۱۱ نفری شهرت یافت و بزرگانی چون آیت‌الله خامنه‌ای، شهید بهشتی، شهید قدوسی و علامه مصباح در آن حضور داشته و حرکت فرهنگی و سیاسی را آغاز کردند که در نوع خود بی‌بدیل بود. با نگاهی به اساسنامه آن تشکل می‌توان به نشانه‌هایی از افق بلندی که این افراد در پی رسیدن به آن بودند، دست یافت. انتظار می‌رفت که حداقل پس از انقلاب اسلامی و تثبیت نظام نیز ده‌ها و شاید صدها تشکل مرتبط با هم، از نوع تشکل یازده نفری از سوی

## امروز هم برای رسیدن به اهداف فرهنگی خود در جامعه راهی جز برپایی گروه‌ها و تشکل‌ها نداریم. برای این مهم می‌توان با نگاه به گذشته و الگو قرار دادن فضایی که روزی تشکل یازده نفری را شکل دادند، آن هم با ادبیات امروز و فضای امروز در داخل و در خارج از کشور اقدام کرد.

فضای حوزه شکل گیرد؛ اما متأسفانه این اتفاق نیفتاد. تجربه نشان داده است کارهای پراکنده هیچ‌گاه نتیجه مطلوب و صحیحی ندارد و فعالیت‌های هدف‌دار همراه با نقشه و همکاری جدی می‌تواند نتیجه‌بخش باشد.

روحانیت امروز وظیفه بسیار سنگینی در مقابل عده و عده دشمنان جهانی دارد؛ زیرا دشمنان روحانیت اصیل و طرفدار اسلام ناب با گذاشتن نیرو، وقت و سرمایه، به دنبال خشکاندن ریشه‌های درختی هستند که امروز در جهان قامت

راست کرده است. روحانیت باید به سمت نهادینه کردن فرهنگ کار جمعی و تشکیلاتی در حوزه برود.

قرآن کریم هم بر این موضوع صحه گذاشته و هر جا فعالیت و اقدام اجتماعی موفق صورت گرفته رد پای گروه و یا به تعبیر قرآن فئه را می‌توان یافت. قرآن هم تأثیر جمع را غیر از افراد می‌شمارد و می‌فرماید: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً» (بقره/۲۴۹) و نمی‌فرماید: «كَمْ مِنْ رَجُلٍ» یعنی چه بسا انسان‌ها و یا افرادی که در اثر صبر، استقامت و شریاطی که قرآن می‌گوید به پیروزی رسیدند. اگر قرار بود کار فردی نتیجه داشته باشد، قرآن این موفقیت‌ها را فقط با تعبیر انجام کار گروه بیان نمی‌داشت و ممکن بود تعبیر دیگری که فرد و شخص را در بر بگیرد به کار می‌برد. هیچ‌گاه قرآن مسائل اجتماعی را با این گونه تعبیر، مطرح نکرده است. واحدی را که قرآن در مسائل اجتماعی معرفی می‌فرماید «فئه» است. بنابر این در مسائل اجتماعی باید یک‌دسته و گروه متشکلی باشند تا منشأ اثری شوند، هرگز کار یک فرد نمی‌تواند به تنهایی اثر اجتماعی داشته باشد. اگر چیزی هم حاصل شود، بسیار اندک و ضعیف خواهد بود. اما در گروه و فئه تراکمی پیدا می‌شود که تأثیر متقابل روی هم می‌گذارد و وحدتی اجتماعی به وجود می‌آید؛ در این صورت آثار زیاد آن را می‌توان انتظار داشت. در این حالت فئه قلیل در جبهه حق بر فئات کثیر باطل غلبه خواهد کرد.

به نظر می‌رسد که امروز هم برای رسیدن به اهداف فرهنگی خود در جامعه راهی جز برپایی گروه‌ها و تشکل‌ها نداریم. برای این مهم می‌توان با نگاه به گذشته و الگو قرار دادن فضایی که روزی تشکل یازده نفری را شکل دادند، آن هم با ادبیات امروز و فضای امروز در داخل و در خارج از کشور اقدام کرد. باید آستین همت را بالا زد و با چنین تشکل‌هایی به دفاع از نظام، ولایت فقیه و آرمان‌های روحانیت اصیل در طول تاریخ همت گمارد.